

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهرا

سال بیست و دوم، دوره جدید، شماره ۱۶، پیاپی ۱۰۵، زمستان ۱۳۹۱

بررسی مداخله انگلیسی‌ها در امور اقتصادی ایران در جریان جنگ جهانی دوم

سجاد راعی گلوجه^۱

تاریخ دریافت: ۹۱/۳/۲۰

تاریخ تصویب: ۹۲/۱/۱۸

چکیده

یکی از اهداف اصلی اشغال ایران و تحمیل پیمان اتحاد سه‌گانه بر ایران - که انگلیسی‌ها نقش اصلی در آن داشتند - بسترسازی برای مداخله تمام‌عیار و شبه‌قانونی در امور داخلی ایران بود تا تمهیدهای لازم را برای هرگونه اقدام به نفع متفقین، به‌طور اعم، و بریتانیا به‌طور اخص در هر زمینه‌ای که ضرورت داشته باشد، فراهم کنند. بنابراین، انگلیسی‌ها در زمان اشغال ایران در جنگ جهانی دوم، در ابعاد وسیعی در امور داخلی ایران مداخله کردند که یکی از آن‌ها امور اقتصادی بود. جنبه اقتصادی اشغال ایران در سطح‌های خرد و کلان، در مقایسه با سایر جنبه‌ها و ابعاد اشغال، وسعت و اهمیت بیشتری برای انگلیسی‌ها، و پیامدهای اقتصادی کوتاه‌مدت و بلندمدت زیانبار و محسوسی برای دولت و مردم ایران داشته است، به‌طوری که عوارض ناشی از آن، علاوه بر سال‌های اشغال، در سال‌ها و دهه‌های پس از پایان جنگ جهانی دوم نیز همچنان تداوم یافت و

۱. دانشجوی دوره دکتری تخصصی تاریخ ایران بعد از اسلام دانشگاه تهران. نشانی الکترونیک: Raee598@yahoo.com

ساختارهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران را تحت تأثیر خود قرار داد. هدف این مقاله، بررسی مستند بسترها و ابعاد مداخله انگلیسی‌ها در امور داخلی ایران در طول سال‌های اشغال ایران در جنگ جهانی دوم و پیامدهای این مداخله است.

واژه‌های کلیدی: انگلیس، متفقین، ایران، مداخله، امور اقتصادی، اشغال نظامی، تحمیل، پیمان اتحاد سه‌گانه، جنگ جهانی دوم (۱۹۳۹-۱۹۴۵).

مقدمه

مواضع و راهبردهای متفقین، به‌ویژه انگلیسی‌ها، در برابر ایران، پس از حمله آلمان به شوروی در تیر ۱۳۲۰ش تغییر اساسی یافت. نیاز آن‌ها به استفاده از موقعیت راهبردی و ترانزیتی ایران برای حمل تدارکات و مهمات نظامی به جبهه شوروی و همچنین برنامه پیشگیرانه انگلیسی‌ها درباره نفت ایران و قفقاز در صورت تداوم پیشروی آلمان در جبهه شوروی موجب شد برای تحقق قطعی آن اهداف بهترین گزینه را اشغال ایران، وادار کردن رضاشاه به استعفا و سپس تبعید به خارج از ایران، ایجاد دولت دست‌نشانده و انعقاد پیمان اتحاد سه‌گانه قرار دهند تا بدون کمترین مانع و نگرانی، راهبردهای خود را اجرا کنند. آن‌ها گام‌به‌گام و مرحله‌به‌مرحله راهبردهای خود را پیش بردند و می‌توان گفت که کاملاً هم موفق شدند، اما موفقیت کامل آن‌ها به‌بهای گرانی برای دولت و مردم ایران تمام شد. بدین ترتیب که برای تحقق دست‌کم بخشی از اهداف متفقین در جبهه شوروی، به مداخله در ابعاد گوناگون سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی و غیره امور داخلی ایران پرداختند. در این میان مداخله در امور اقتصادی ایران ابعاد و گستره بیشتر و پیامدهای منفی کوتاه‌مدت و بلندمدت بسیاری داشت.

تاکنون تنها برخی از ابعاد مداخله متفقین در امور اقتصادی ایران به صورت موردی یا کلی بررسی شده و نیز تمرکز عمده آثار منتشرشده بررسی موضوع‌هایی مثل قحطی و مسئله نان و غله بوده است. در این مقاله سعی بر این است که مداخله انگلیسی‌ها در امور اقتصادی ایران -در دوره مورد

مطالعه - در ابعاد و مصداق‌های عینی آن همراه با جامع‌نگری بررسی و تبیین شود. این مقاله در صدد یافتن پاسخ سؤالات زیر است:

- هدف انگلیسی‌ها از مداخله در امور اقتصادی ایران چه بود و برای تحقق آن از چه سازوکارهایی استفاده کردند؟

- مداخله انگلیسی‌ها در امور اقتصادی ایران چه ابعدی داشته است؟

- و در نهایت، پیامدهای کوتاه‌مدت و بلندمدت مداخله انگلیسی‌ها در امور اقتصادی ایران چه بوده است؟

بسترسازی از طریق پیمان اتحاد سه‌گانه برای مداخله در امور اقتصادی ایران^۱

بر اساس ماده ۷ پیمان اتحاد سه‌گانه، متفقین می‌بایست «بهترین مساعی خود را به کار برند که حیات اقتصادی ملت ایران را در مقابل تضییقات و اشکالاتی که در نتیجه جنگ حاضر [جنگ جهانی دوم] پیش بیاید محفوظ بدارند» (پیمان سه‌گانه، بی تا: ۵۹). اگر مفاد این ماده از پیمان اتحاد سه‌گانه حتی به صورت نسبی اجرا می‌شد، قسمت عمده مسائل و مشکلات اقتصادی زنجیره‌ای تحمیل شده بر دولت و مردم ایران حل، و از دامنه مصائب مردم ایران کاسته می‌شد. لکن عدم پایبندی متفقین، به‌ویژه انگلیسی‌ها به آن، مشکلات و معضلات عدیده‌ای در امور اقتصادی و زندگی اجتماعی مردم ایران پدید آورد. علاوه بر آن، در امور گوناگون اقتصادی ایران به صورت افسارگسیخته و کنترل‌ناپذیر مداخله کردند. بر اساس گزارش هورلی (مشاور وقت رئیس جمهور آمریکا)، انگلیسی‌ها بی‌توجهی به نیازها و مشکلات مردم ایران را به حدی رساندند که با کالاهایی که از آمریکایی‌ها براساس قانون وام و اجاره برای تحویل به ایران می‌گرفتند، معاملات تجاری انجام می‌دادند و حتی انحصار تجاری در ایران را به دست گرفتند (مقدم مراغه‌ای، ۱۳۸۶: ۱۰۵). مهم‌ترین موارد مداخله انگلیسی‌ها در امور اقتصادی ایران را می‌توان در موارد زیر برشمرد:

۱. نگارنده در مورد بسترسازی و زمینه‌های اشغال ایران و همچنین، در مورد تحمیلی بودن پیمان اتحاد ایران با متفقین مقاله‌های مفصل و مستندی را منتشر کرده است که برای اجتناب از تکرار و پرداختن به سایر موضوع‌های بررسی نشده و موضوع‌های کمتر بررسی شده، خوانندگان محترم را به آن مقاله‌ها ارجاع می‌دهم (راعی گلوچه، ۱۳۹۱: ۲۶۳-۳۱۲؛ همو، ۱۳۸۸: ۱۷۱-۱۸۰).

مداخله در امور پولی و مالی

هزینه ماهانه حضور نیروهای انگلیسی در ایران بالغ بر ۳۰۰ میلیون ریال، نیروهای آمریکایی ۴۰۰ میلیون ریال و نیروهای شوروی ۸۰ میلیون ریال بود. متفقین می‌بایست از طریق تعویض ارز خارجی و طلا به ریال یا صدور کالا به ایران، ریال مورد نیاز خود را تأمین می‌کردند، اما هرگز چنین نکردند و به جای آن، راه‌حل‌های تحمیلی زیر را که اغلب با ابتکار و هدایت انگلیسی‌ها بود، برای تأمین پول ایرانی مورد نیاز (ریال) در پیش گرفتند:

- ۱- پرداخت هزینه‌های ۷۵ هزار نیرو و هزینه مؤسسات متفقین در ایران به پول ایرانی (ریال).
- ۲- دریافت اسکناس مورد نیاز در ایران از بانک ملی ایران به ریال و بستن کار کردن دولت ایران در مقابل آن در بانک مرکزی انگلیس به لیره استرلینگ.
- ۳- بدهکاری اسمی به ایران، به طوری که صرفاً در دفاتر بانکی عمل می‌شد و در حالی که ایران به شدت به آن نیاز داشت، ارزی از بابت آن به دولت ایران تحویل نمی‌شد و این ارز اسمی به عنوان قروض متفقین به ایران در حساب دولت ایران در آن کشورها باقی می‌ماند (الهی، ۱۳۶۹: ۱۹۲-۱۹۳).

مجموعه راه‌حل‌ها و شیوه‌های تأمین ریال مورد نیاز متفقین در عمل فقط با وادار کردن دولت ایران به انتشار اسکناس بدون پشتوانه انجام می‌شد، زیرا دولت ایران به حساب ارزی مربوط به مطالباتش از متفقین در آن کشورها دسترسی و کنترل نداشت و براساس قراردادهای موجود فقط می‌توانست از حساب ارزی برای خرید کالا از همان کشورها استفاده کند، که آن هم به دلیل شرایط جنگی و ناامنی، عملاً غیرممکن بود و خود آن کشورها بیش از ایران به کالاهایی که داشتند نیازمند بودند. در داخل ایران نیز انتشار اسکناس بدون پشتوانه موجب افزایش حیرت‌آور پول در گردش، و در نتیجه، کاهش روزافزون ارزش پول ایران و قدرت خرید ریال و تورم، گرانی، قاچاق، قحطی، مرگ‌ومیر و غیره شد؛ به طوری که ارزش برابری ریال در برابر لیره استرلینگ از ۶۵ ریال در دوره قبل از اشغال به ۱۴۰ ریال در دوره پس از اشغال رسید (الهی، ۱۳۶۹: ۱۹۴-۱۹۵؛ مقدم مراغه‌ای، ۱۳۸۶: ۹۶). آن‌ها دولت ایران را وادار کردند که نرخ تحمیلی انگلیسی‌ها و دو کشور شوروی و آمریکا را در مقابل پول رایج‌شان تثبیت کند (ابتهاج، ۱۳۷۱: ۷۱/۱). بنابراین، متفقین با افزایش نرخ

رسمی حدود نصف مخارج روزانه خود را از خزانه دولت ایران تأمین می کردند. همچنین شرکت نفت انگلیس و ایران هم که سالانه مبالغی لیره برای مخارج و پرداخت‌های خود به ریال تبدیل می کرد، با افزایش نرخ رسمی لیره، در واقع، بخش اعظم مخارج خود را از دارایی ملت ایران تأمین می کرد. تورم ناشی از انتشار پول بدون پشتوانه باعث شد دولت با اخذ وام‌های مکرر از بانک ملی ایران، حقوق کارمندان را بپردازد که مجموع وام‌ها در سال ۱۳۲۵ به بیش از ۵۰۰ میلیون تومان بالغ شد؛ در حالی که کل سرمایه بانک ۳۰ میلیون تومان بود (مکی، ۱۳۷۰: ۲۸۲/۸). معنی دیگر اقدام بانک انتشار پول تا حد ۱۸ برابر پشتوانه‌اش بود (درباره سوم شهریور و نقش ایران در جنگ جهانی دوم، ۲۵۳۶: ۲۳۶). در حالی که میزان عرضه کالاها و خدمات از سوی دولت ایران، محدود و تقاضاهای مالی نیروهای اشغالگر برای کالا و خدمات عملاً نامحدود بود (کاتوزیان، ۱۳۷۳: ۱۸۷؛ کی استوان، ۱۳۲۷: ۱۱۱/۱-۱۱۶). دولت انگلیس بر خلاف تعهداتش در پیمان اتحاد سه گانه (پیمان سه گانه، بی تا: ۵۷-۵۹) و قرارداد مالی ۲۷ اسفند ۱۳۲۱ (آرشیو مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، ۱۳۲۱، کارتن ۱۵، پرونده ۳۳)، اقدام‌های لازم را برای مقابله با پیامدهای کاهش ارزش پول و مهار آن انجام نداد. بر این مبنای کاتوزیان با بررسی مسئله انتشار اسکناس بدون پشتوانه، کاهش ۱۰۰ درصدی قدرت خرید پول ایران و عدم بازپرداخت ۶۰ درصد مازاد سالانه تجاری ایران با انگلیس و شوروی تا پایان جنگ جهانی دوم را به درستی با عنوان «دزدی مسلحانه» از «ملتی ضعیف و فقیر» و همچنین، توجیه اقدامات تحمیلی و مداخله گرانه متفقین را با استناد به ضرورت شکست دول محور به «پلیدی اجتناب ناپذیر» تعبیر کرده است (۱۳۷۳: ۱۸۸).

در پی مقاومت نسبی مقامات ایرانی در برابر خواست‌های روزافزون انگلیسی‌ها در زمینه امور پولی و ارزی، سفیر انگلیس در تهران در تاریخ ۶ شهریور ۱۳۲۱ یادداشت تندی به نخست‌وزیر فرستاد و آن اقدام را «مخالف مساعی متفقین» و «اشکال تراشی در اثر اشکالات داخلی» خواند (اسنادی از اشغال ایران در جنگ جهانی دوم، ۱۳۸۹: ۱۹۶/۲-۱۹۸). وزیر دارایی در تاریخ ۲۵ مهر ۱۳۲۱ با ارائه گزارشی به نخست‌وزیر اعلام کرد که به دلیل پذیرش خواست‌های پولی و ارزی انگلیسی‌ها، موازنه و تعادل ارزی کشور از میان رفته است (همان: ۲۰۲-۲۰۳). عمق مداخله انگلیسی‌ها در امور پولی و مالی ایران به حدی بود که عبدالحسین هژیر، نماینده اعزامی دولت ایران به لندن، در نامه

مفصلش به وزارت خارجه انگلیس، در اعتراض به عمل نکردن به تعهدات انگلیس در پیمان اتحاد سه گانه نوشت: «روی هم رفته در امور اقتصادی به اندازه‌ای مداخلات مختلف از هر طرف به عمل آمده است که اختیار را به کلی از دولت سلب کرده است» (درباره سوم شهریور و نقش ایران در جنگ جهانی دوم، ۲۵۳۶: ۳۸-۳۹). محمدرضا پهلوی در کتاب *مأموریت برای وطنم*، در مقام رئیس و نفر اول کشور در سال‌های اشغال، می‌گوید انگلیسی‌ها از احمد قوام، نخست‌وزیر وقت، بدون در نظر گرفتن موازین قانونی و مخالفت مستدل او با انتشار پول بی‌پشتوانه، مصرانه می‌خواستند که قانون جدیدی تهیه و در مجلس تصویب شود و وقتی قوام موافقت نکرد، تمهیدات سقوط دولتش را فراهم کردند (همان: ۱۱).

مداخله در امور راه‌ها و حمل و نقل

راه‌های ایران در زمان جنگ جهانی دوم، آسان‌ترین، نزدیک‌ترین، امن‌ترین و ارزان‌ترین راه مواصلاتی برای ارسال سلاح و مهمات و تدارکات به روسیه بود. متفقین، به‌ویژه انگلیسی‌ها، با استناد به پیمان اتحاد سه گانه، کلیه خطوط هفت گانه راه آهن و سایر راه‌های اصلی و فرعی ایران را در اختیار گرفتند تا با تمام ظرفیت و سرعت، تدارکات و مهمات را به روسیه حمل کنند (خان‌ملک (یزدی)، ۱۳۲۴: ۱۶۰). آن‌ها فراتر از توان و ظرفیت از آن‌ها استفاده کردند و زمینه تخریب و فرسودگی راه‌ها و راه‌آهن تازه تأسیس ایران را فراهم آوردند و در دوره پس از جنگ نیز به بازسازی آن‌ها نپرداختند. بخشی از مداخله در امور راه آهن، مربوط به ممانعت انگلیسی‌ها از استفاده مردم و دولت ایران از آن برای رفع نیازهای ضروری‌شان بود. در این مدت، بازرگانان ایرانی تا حدود زیادی از مزایای استفاده از راه آهن محروم شدند، و در طول جنگ، دولت ایران نتوانست از طریق حمل و نقل کالاهای موجود در برخی مناطق را به مناطق دچار کمبود کالا منتقل کند و در نتیجه، زمینه‌های تورم و گرانی فزاینده و نایابی و قحطی مایحتاج ضروری اولیه مردم در برخی مناطق فراهم شد (مقدم مراغه‌ای، ۱۳۸۶: ۹۶).

آن‌ها برای پیشبرد مطمئن کارهای خود، در مورد استفاده از راه‌ها و حمل و نقل، قراردادها و آئین‌نامه‌های لازم را تهیه و به تصویب مقام‌های ایرانی می‌رساندند؛ برای مثال، پس از انعقاد پیمان

اتحاد سه گانه، «آئین نامه کمیسیون حمل و نقل ایران و انگلیس و شوروی» را در تاریخ ۱۵ بهمن ۱۳۲۰ تهیه کردند و به تصویب رساندند (اسنادی از اشغال ایران در جنگ جهانی دوم، ۱۳۸۹: ۲۱-۱۹/۳). همچنین، در مورد مسائل مربوط به حمل و نقل، موافقت نامه‌ای نیز با وزارت راه امضا کردند (همان، ۲۸-۲۱/۳). ابتدا متن موافقت نامه را دولت ایران تهیه کرد، ولی انگلیسی ها و روس ها کلیت آن، به ویژه ماده سیزدهم را نپذیرفتند، بلکه مفاد مورد نظر خود را درج کردند و به تصویب رساندند. ماده ۱۳ به شرح زیر بود:

دولتین متحده هرگونه خسارتی را که از عملیات مستقیم یا غیرمستقیم قوای دولتین یا عملیات مستقیم یا غیرمستقیم جنگی به ساختمان ها و تأسیسات راه های شوسه و راه آهن و بنادر کشور شاهنشاهی وارد آمده یا محتملاً وارد بیاید، تضمین نموده و جبران آن را تعهد می نمایند. تشخیص خسارات با کمیسیون عالی حمل و نقل خواهد بود و همچنین دولتین متحده جبران خساراتی را که به مقاطعه کاران راه های شوسه و راه های آهن و بنادر در نتیجه عملیات مستقیم یا غیرمستقیم قوای دولتین یا عملیات مستقیم یا غیرمستقیم جنگی وارد آمده یا محتملاً وارد بیاید، تضمین و تعهد می نمایند. تشخیص این قبیل خسارات هم با کمیسیون عالی حمل و نقل خواهد بود (همان، ۳۳/۳).

راه آهن تازه تأسیس ایران که با هزینه ای بالغ بر ۲۰۰ میلیون دلار و در زمانی بیش از یک دهه ایجاد و از سال ۱۳۱۷ بهره برداری از آن آغاز شده بود، قبل از استفاده مردم ایران، با محوریت و هدایت انگلیس به تصرف متفقین درآمد. البته همچون سایر امور، بعد از تحمیل پیمان اتحاد سه گانه با استناد به ماده ۲ آن پیمان نامه، در ظاهر جنبه قانونی به آن دادند. در این پیمان پیش بینی شده بود که در مورد نحوه استفاده از راه ها قرارداد دیگری منعقد خواهد شد، که این پیش بینی عملی شد. ظاهراً در قرارداد انگلیسی ها حداقل درآمد را برای دولت ایران از فعالیت راه آهن تحت کنترل متفقین در نظر گرفته بودند که برابر با حداقل درآمد سالانه سال قبل از اشغال ایران به مقدار ۱۰۳ میلیون ریال (برابر با ۳۳۱۸۷۵۰ دلار) بود. به محموله های متعلق به نیروهای انگلیسی ۵۰ درصد و نیروهای روسی ۲۰ درصد تخفیف تعلق می گرفت. دولت ایران علاوه بر آن، تعهد کرده بود

مخارج نگهداری و مخارج جاری راه‌آهن را پردازد و هزینه‌های مربوط به توسعه و تکمیل راه‌آهن را نیز بپذیرد.

مفاد قرارداد هرچه بود، در ظاهر، حداقل منافع را برای ایران ملحوظ داشته بود، اما در عمل آن منافع حداقلی نیز رعایت نشد؛ برای مثال، تعیین حداقل درآمد سالانه، که درآمد دولت ایران را از راه‌آهن سراسری تا حد درآمد سال قبل از اشغال نظامی تضمین می‌کرد، در وضعیت پس از اشغال به هیچ‌وجه منطقی نبود. ظرفیت حمل و نقل راه‌آهن در دوره پس از اشغال به ۳۰ برابر (از ۲۰۰ تن به ۶۰۰۰ تن) در روز افزایش یافته بود. درحالی‌که ظرفیت بهره‌برداری از راه‌آهن ۳۰ برابر سال قبل شده بود، درآمد به مأخذ سال قبل یعنی یک سی‌ام آن بود. به عبارت دیگر، با تحمیل آن قرارداد، درآمد راه‌آهن ایران ۳۰ برابر کمتر از سال قبل تعیین شده بود و مابه‌التفاوت آن به نفع متفقین مصادره می‌شد. بدتر از همه اینکه متفقین از پرداخت آن حداقل نیز سرباز زدند. بدین ترتیب، درآمد ایران از راه‌آهن سراسری عملاً به صفر رسید.

به صفر رسیدن درآمد ایران از محل حمل و نقل ریلی پایان کار نبود، بلکه متفقین پس از اشغال نظامی ایران، تمامی لوکوموتیوها، واگن‌های باری و مسافربری و بالغ بر ۳۰۰۰ دستگاه کامیون بخش دولتی و خصوصی و تعداد زیادی کامیون نظامی را نیز تصرف کردند و در پایان جنگ جز مشتی آهن‌پاره و قراضه به دولت ایران تحویل ندادند. به همان نسبت، تأسیسات و تجهیزات فنی راه‌آهن نیز فرسوده و بلااستفاده شد، به طوری که در پایان جنگ سفیر ایران در مسکو خسارات وارد شده بر راه‌آهن را بالغ بر ۵۰۰ میلیون دلار برآورد کرد. دردناک‌تر از همه موارد ذکر شده، این بود که پس از پایان جنگ، متفقین به جای ترمیم و پرداخت خسارات وارده بر راه‌آهن، از دولت ایران مبلغ ۱۴۷۸۲۷۲۷ دلار بابت تجهیزاتی که برای توسعه ظرفیت حمل‌ونقل خود به راه‌آهن ایران افزوده بودند، مطالبه و دریافت کردند. گفتنی است که متفقین در راه‌های آسفالته و شوسه نیز خسارات مشابهی را بر دولت ایران تحمیل کردند. در کل می‌توان گفت که متفقین با استناد به متن پیمان اتحاد سه‌گانه تمامی راه‌ها، راه‌آهن و وسایل حمل‌ونقل خصوصی، دولتی و نظامی ایران را از زمان اشغال تا پایان جنگ جهانی دوم به تصرف خود در آوردند، رایگان یا نزدیک به رایگان مورد بهره‌برداری قرار دادند و پس از رفع نیازشان به صورت اسقاطی به دولت بازگرداندند. این

اقدامات تحمیلی اثر فاجعه‌باری بر اقتصاد ایران و فروپاشی سیستم حمل و نقل کالا و مسافر حتی در دوران بعد از پایان جنگ گذاشت (الهی، ۱۳۶۹: ۱۷۹-۱۸۳).

مداخله و ایجاد اختلال در امور مالیاتی و عوارض گمرکی

مالیات و عوارض گمرکی در هر کشوری از منابع اصلی درآمد است و نقش مهمی در اداره کشور و تنظیم امور اقتصادی دارد. گزارش‌های فراوانی وجود دارد که متفقین، به‌ویژه انگلیسی‌ها، در بسیاری از موارد از پرداخت عوارض گمرکی و مالیات مرسوم خودداری کرده‌اند. آن‌ها در اغلب موارد با این دستاویز که حقوق و عوارض گمرکی بعداً تسویه خواهد شد، از پرداخت آن خودداری می‌کردند (اسنادی از اشغال ایران در جنگ جهانی دوم، ۱۳۸۹: ۲/۲۴۶). درخواست تأدیة آن نیز با تهدید سفیر انگلیس نیز مواجه می‌شد (همان: ۲/۲۴۹). مقام‌های انگلیسی بر این باور بودند که هر نوع کالای وارده به ایران که کاربرد و مصرف نظامی داشته باشد، با استناد به پیمان اتحاد سه‌گانه، از بازرسی و حقوق و عوارض گمرکی معاف و مستثناست. در ضمن، رانندگان کامیون‌های شرکت تجارتي ایران و بریتانیا (یو.کی.سی.سی) از معافیت لحاظشده سوءاستفاده کرده و به قاچاق کالا و مسافر اقدام می‌کردند. گزارش‌ها از چنین کارهایی بیشتر از مرز ایران و عراق در گمرک مرزی خسروی بوده است (همان: ۲/۲۵۴-۲۶۸).

در یکی از گزارش‌های وزارت دارایی در مورد مشکلات موجود در گمرکات جنوب و غرب ایران که در حوزه اشغال انگلیسی‌ها قرار داشته، به تخلف‌ها و مداخله‌های زیادی اشاره شده است که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

- ۱ - ممانعت انگلیسی‌ها از صورت‌برداری کالاهای وارده به گمرک بندر خرمشهر و بندر شاهیپور؛
- ۲ - رعایت نکردن مقررات گمرکی از سوی انگلیسی‌ها در مورد کالاهای حمل‌شده به وسیله راه‌آهن؛
- ۳ - پرداخت نکردن حقوق و عوارض گمرکی به کالاهای صادراتی مربوط به مصرف شخصی در عراق؛

۴- اقدام غیرقانونی برخی اشخاص و بنگاه‌های اقتصادی مبنی بر صدور کالاهای مصرفی خود از طریق کامیون‌های انگلیسی، بدون پرداخت حقوق و عوارض گمرکی، با عنوان دروغین مصارف ارتش انگلیس؛

۵- تصرف کالاهای موجود در بندر شاهپور به دست نیروهای انگلیسی در زمان تهاجم به ایران در شهریور ۱۳۲۰ و تسویه نکردن مسائل مالی و حقوق و عوارض گمرکی آن‌ها؛

۶- بسط معافیت از عوارض و حقوق گمرکی مرتبط با محمولات نظامی به شوروی، به مصارف شخصی و امور غیرنظامی (همان: ۲۷۴/۲-۲۷۷).

در گزارش‌های متعدد دیگر نیز به موارد گوناگونی از مداخله در امور حقوق و عوارض گمرکی اشاره شده است که از میان آن‌ها می‌توان به پرداخت نکردن مالیات سوخت، کشتار دام و طیور، برق، رسوم، حراج، واردات لاستیک، روغن موتور، کالاهای مورد نیاز ارتش انگلیس در ایران، سنگ و شن مورد نیاز برای راهسازی و غیره اشاره کرد (همان: ۲۴۵/۲-۲۵۲، ۳۰۴-۳۰۹، ۳۱۸-۳۲۱). گفتنی است که رویه ارتش انگلیس در مرزهای شرقی و محمولاتی که به چین و سایر مناطق می‌فرستادند، مانند رویه آن‌ها در مرزهای غربی، جنوب و جنوب غربی بوده است (همان: ۲۹۹/۲-۳۰۰).

در گزارش وزارت دارایی به نخست‌وزیر در تاریخ ۳ تیر ۱۳۲۲ در مورد مسئله اخذ مالیات از متفقین، تخلفات آن‌ها به شرح زیر برشمرده شده است:

۱. مالیات کشتار: نیروی انگلیس در سال ۱۳۲۱ [۱] کشتارگاهی در تهران و اراک دایر، و از دادن مالیات و عوارض خودداری می‌نمایند... در خرمشهر پیمانکارانی به نام متفقین کشتار می‌کنند و اقداماتی که در وصول مالیات به عمل آمده، بلانتیجه مانده است. گاهی هم از طرف نیروی متفقین از حمل گوسفند و بز از اطراف به تهران جلوگیری به عمل می‌آید.
۲. مالیات برق: به قرار اطلاعی که از شهرستان‌های مشهد، تبریز، قزوین، ساری [و] قم رسیده است، نیروی متفقین ساکن محل از دادن مالیات برق خودداری می‌کنند.
۳. مالیات صدی سه: بنگاه کامپساکس طی یک‌ساله ۱۳۲۱ [۱] به دفعات بیش از ۱۷۵ هزار کیلوگرم گندم و ۵۶ هزار کیلوگرم جو، مقادیر دیگری کاه و خرما و غیره برای مصرف

کارگران خود که در راه‌سازی مشغول عملیات می‌باشند، حمل و مالیات و عوارض را نپرداخته است.

مقدار زیادی کالاهای مختلفه داخلی و خارجی به توسط شرکت تجارتي ایران و بریتانیا در شهرهای جنوبی حمل شده که مالیات و عوارض آن بلاوصول مانده است].

۴. غالباً رانندگان کامیون‌های یو.کی.سی.سیا آن که کالاهای مختلف اشخاص را حمل می‌کنند، در پاسگاه‌ها توقف نمی‌کنند و مالیات و عوارض نمی‌پردازند و با آنکه بر اثر مکاتباتی که به عمل آمد، شرح لازم از طرف شرکت به رانندگان اخطار شده است، مع الوصف روزانه عده زیادی از رانندگان به خلاف دستور صادره بدون توقف از جلوی پاسگاه عبور می‌کنند.

۵. از دارایی‌های جنوب اطلاع می‌رسد که غالب رانندگان کامیون‌های تانک بنزین با آنکه همراه خود کالای مشمول مالیات و عوارض حمل می‌کنند، در برابر پاسگاه توقف نمی‌نمایند... اشخاص مختلف به نام متفقین از این معافیتی که پیش آمده سوءاستفاده می‌نمایند و کالا به نام متفقین حمل نموده و به‌طور آزاد به فروش می‌رسانند. در اکثر موارد صاحبان کالا از مصونیت کامیون‌های بنگاه‌های خارجی استفاده نموده و مبادرت به حمل کالا بوسیله آن کامیون‌ها می‌نمایند. به علت اشکالاتی که در موارد فوق پیش آمده، سایر رانندگان و کالاداران بنگاه‌ها جری شده و حتی‌المقدور به وسایل ممکنه از پرداخت حقوق دولتی شانه خالی می‌نمایند (همان: ۳۰۴/۲-۳۰۶).

مداخله در امور تجاری

۱. تحمیل محدودیت‌های تجاری متفقین در قبال دول محور بر ایران: کنسولگری‌های انگلیس در ایران مداخله در امور تجاری را از ماه‌های قبل از اشغال شروع کرد و پس از اشغال آن را تشدید کرد. آن‌ها از اردیبهشت ۱۳۲۰ با انتشار اعلان‌هایی به تدریج محدودیت‌هایی را برای تجارت ایران با دول محور، به‌ویژه با آلمان و ایتالیا، خواستند. کنسولگری انگلیس در کرمانشاه در تاریخ ۱۳۲۰/۱/۲۹ اعلانی منتشر کرد که بر اساس آن نظام‌نامه جدیدی را برای واردات و صادرات به ایتالیا و آلمان اعلام کرد که مورد نظر دولت انگلیس بود. بر اساس آن، واردکنندگان در ایران

بایستی توضیحات کامل کالایی را که بخواهند از طریق یکی از بندرهای ایران یا عراق در خلیج فارس وارد کنند، به یکی از افسران کنسولی دولت انگلیس بدهند، ضمناً تعهدنامه‌هایی امضا کنند مبنی بر اینکه:

۱. کالاهای نامبرده در موقع ورود به کشورهای آلمان و ایتالیا و یا کشورهای متصرفی یا تحت بازرسی کشورهای دشمن نامبرده صادر نخواهد شد.
۲. کالاها در ایران به صورت عادی تجارت داخلی فقط به تجار خرده‌فروش فروخته خواهد شد. بازرگانانی که اسامی آنها در صورت وضعیت دولت انگلیس قید نگردیده، یعنی تجارتخانه‌های دشمن و غیردشمن که با دشمن بازرگانی دارند.
۳. در هر موقع که افسران کنسولی اعلی‌حضرت پادشاه انگلیس از واردکنندگان بخواهند، بایستی تمام توضیحات لازمه و مدارک کتبی مربوط به موضوعات تولیدی اظهارنامه را بدهند.
۴. هرگاه و هر وقت کالاهای مورد بحث وارد شود، هر مقدار نظیر آن کالاها یا ساخته شده از آن را که موجود داشته باشند، به طور مستقیم یا غیرمستقیم به آلمان و ایتالیا و یا کشورهای متصرفی یا تحت کنترل ممالک دشمن نامبرده فروخته یا تحویل داده نخواهد شد (قطبی، ۱۳۸۱: ۳۸-۴۱).

۲. کاهش صادرات و درآمدهای ارزی: در نتیجه مداخله متفقین، به‌ویژه انگلیسی‌ها، در امور اقتصادی ایران دولت ایران به‌ناچار با بسیاری از دولت‌های طرف تجاری و بازرگانی خود قطع رابطه و در نتیجه قطع مبادله کرد که در پی آن صادرات ایران کاهش محسوسی یافت. از دیگر عوامل مرتبط با مداخله انگلیسی‌ها در زمینه کاهش صادرات می‌توان به استفاده متفقین از کالاهای قابل صدور ایران، نبودن امنیت لازم برای صادرات و تصرف بنادر و اسکله‌های صادراتی به دست اشغالگران اشاره کرد. انگلیسی‌ها پس از ورود به ایران اسکله‌های بنادر جنوب را تصرف کردند که یکی از مهم‌ترین آنها اسکله بزرگ اروندرود (شط‌العرب) بود (آرشیو مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، ۱۳۲۰، کارتن ۱۶، پرونده ۴۴). در مجموع، تراز مبادلات به شدت منفی شد و اثر تورمی در اقتصاد گذاشت (کاتوزیان، ۱۳۷۳: ۱۸۷).

۳. مداخله و ایجاد اختلال در امور بندرهای تجاری و گمرکات- ایران در دوره قبل از شهریور ۱۳۲۰ صاحب بندرهای مدرن و مهمی در خلیج فارس و دریای خزر بود که صادرات و واردات

کالاهای مورد نیاز کشور را تنظیم و تسهیل می کردند. بنادر شاهپور (امام خمینی کنونی)، خرمشهر و بوشهر در سواحل خلیج فارس و بندر شاه (بندر ترکمن کنونی) در سواحل دریای خزر به وسیله راه آهن و سایر راه های مواصلاتی به همدیگر متصل می شدند. در طول دوران اشغال، این بندرها به کلی در اختیار متفقین قرار گرفت (الهی، ۱۳۶۹: ۱۸۳).

تبدیل کاربری بنادر از تجاری به نظامی و برقراری ممنوعیت های گوناگون در تردد آنها، از دیگر مداخله های انگلیسی ها در امور تجاری بود. اعلام بندر شاهپور به عنوان منطقه ممنوعه و کوچ اجباری ساکنان آن به مناطق دیگر شاهد عینی این قضیه است (راعی گلوچه، ۱۳۸۷: ۵۰۳-۵۱۱). همچنین، می توان به مصادره و تصرف بخشی از کالاهای بازرگانان ایرانی در بنادر و گمرکات اشاره کرد.

مداخله و ایجاد اختلال در خوار و بار و نیازمندی های مردم

یکی از زیانبارترین و فوری ترین پیامدهای اشغال ایران به دست متفقین، گرانی و کمبود خواروبار و ایجاد اختلال در تأمین نیازمندی ها و ارزاق عمومی مردم، به ویژه غله و نان، و صعود سرسام آور بهای کالاهای مصرفی بود (آبادیان، ۱۳۹۰: ۱-۲۰؛ پرتوی مقدم، ۱۳۸۴: ۳۱-۶۷). مصداق های عمده اقدام های مداخله گرایانه نیروهای متفقین، به ویژه انگلیسی ها، در زمینه تأمین خواروبار و نیازمندی های اساسی مردم را می توان به شرح زیر برشمرد:

۱. محصولات کشاورزی و دامی: در این مقطع تاریخی، کشاورزی ستون فقرات اقتصاد ایران بود که حدود ۷۵ درصد نیروی کار و ۵۰ درصد تولید ناخالص داخلی را تأمین می کرد. در نتیجه اشغال، تولید گندم و جو به میزان ۲۵ درصد، پنبه ۳۹ درصد، برنج ۱۰ درصد، گاو ۹ درصد، توتون و تنباکو ۷ درصد و میوه بین ۲۵ تا ۳۰ درصد کاهش یافت. همچنین به دلیل ماهیگیری بیش از حد نیروهای اشغالگر روسی در دریای خزر، به تدریج از میزان صید ماهی کاسته شد. کاهش تولیدات زراعی و دامی به همراه تقاضاهای فزاینده و خارج از توان اقتصاد داخلی ایران به قحطی منتهی شد (فوران، ۱۳۷۷: ۳۹۵).

یکی از بخش‌های اقتصادی که رابطه تنگاتنگی با اقتصاد کشاورزی داشت غله بود. بحران غله و کمبود تولیدات کشاورزی در این مقطع علل گوناگونی داشت که اغلب از عملکرد استعماری متفقین نشئت می‌گرفت. ایران به لحاظ جغرافیایی و اقلیمی، همواره مزیت وجود چهار فصل و اقلیم‌های متفاوت در یک زمان را داشته است. وقوع قحطی و کمبود غله، به‌ویژه در تاریخ معاصر که ارتباطات و حمل و نقل رو به توسعه بوده، به‌ندرت در یک تاریخ در کل کشور رخ داده است. بنابراین، در صورت کمیابی و یا قحطی در یک منطقه، امکان تأمین مقدار مورد نیاز از مناطق دیگر و حتی خارج از کشور وجود دارد. در زمان اشغال ایران نیز می‌توانست چنین شود، که به دلایل زیر این امر ممکن نشد:

- تصرف بخش اعظم ناوگان حمل و نقل ایران به دست متفقین و اختلال در توزیع؛
 - افزوده شدن نیروهای متفقین مستقر در ایران و لهستانی‌های انتقال یافته به دست انگلیسی‌ها به ایران، به آمار استفاده‌کنندگان از غله و سایر محصولات کشاورزی؛
 - ممانعت متفقین از انتقال محصولات کشاورزی، به‌ویژه غله، از منطقه‌ای به منطقه دیگر و رسیدن قیمت نان به پانزده برابر قیمت قبل از اشغال (فوران، ۱۳۷۷: ۹۰-۹۱ و ۳۹۸)؛
 - انتقال بخشی از نیروی کار کشاورزی از روستاها برای عملیات راهسازی متفقین؛
 - آسیب دیدن زمین‌های کشاورزی در نتیجه اشغال؛
 - ناامنی و تصرف بخشی از مزارع کشاورزی به دست متفقین (مکی، ۱۳۷۰: ۲۷۰/۸).
۲. اقدام مستقیم و بلاواسطه انگلیسی‌ها برای خرید کالاها و احشام به منظور استفاده نیروهای اشغالگر یا صدور آن بدون مجوز لازم (درباره سوم شهریور و نقش ایران در جنگ جهانی دوم، ۲۵۳۶: ۲۱۸؛ ایران در اشغال متفقین، اسناد و مدارک ۱۳۱۸-۲۱، ۱۳۷۱: ۲۲۷-۲۲۹).
۳. مداخله در امور غله و نان: گزارش‌های مختلفی از مداخله مأمورین انگلیسی در جنوب و غرب کشور در امور آرد و نان و غله وجود دارد. در گزارش وزیر دارایی به نخست‌وزیر در تاریخ ۵ اردیبهشت ۱۳۲۱ به مراجعه مستقیم سرهنگ فلیچر، مأمور سیاسی و اطلاعاتی ارتش انگلیس به ادارات دولتی شاه‌آباد اشاره شده است. در سند دیگری به تاریخ ۸ شهریور ۱۳۲۱، نخست‌وزیر به وزارت امور خارجه اعلام می‌کند که «مأمورین انگلیس در کار نان شهر کرمانشاه مداخله مستقیم

کرده و امور خبازخانه را در دست گرفته‌اند. لازم است از مداخله مستقیم آن‌ها جلوگیری و ترک مداخلات آن‌ها را در کارهای داخلی جداً درخواست نمایید». گزارش‌هایی نیز از مداخله مستقیم مأموران انگلیسی در امور نان و غله کردند و سندج وجود دارد. انگلیسی‌ها همواره در مواجهه با بحران غله و نان سعی می‌کردند که تأمین آن را به هر صورت ممکن بر عهده دولت ایران قرار دهند و حتی مقرراتی برای چگونگی تحقق آن به دولت ایران دیکته کردند (اسنادی از اشغال ایران در جنگ جهانی دوم، ۱۳۸۹: ۲۴۷/۲-۲۵۶). نکته مهم‌تر این بود که انگلیسی‌ها، به واسطه سفیرشان در ایران (بولارد)، قحطی و کمبود نان و خواروبار را وسیله مناسبی برای فشار به دولت ایران قرار داده بودند و از این طریق از ایران امتیاز می‌گرفتند و برای تحمیل پاره‌ای از شرایط از آن بهره‌برداری می‌کردند (مقدم مراغه‌ای، ۱۳۸۶: ۹۶). حتی از گرفتاری اقتصادی مردم ایران همچون بستری برای مداخله سیاسی استفاده می‌کردند که نمونه بارز آن واقعه ۱۷ آذر ۱۳۲۱ بود؛ آن‌ها برای فشار آوردن به قوام برای استعفا از نخست‌وزیری به بحران نان دامن زدند تا بتوانند با روی کار آوردن دولت مورد نظرشان، انتخابات دوره چهاردهم مجلس شورای ملی را مطابق سیاست و نظر خود رقم بزنند (همان: ۷۹-۸۱).

انگلیسی‌ها به عمد سعی می‌کردند تقصیر کاستی‌ها را گردن دولت ایران بیندازند. وزارت امور خارجه در پاسخ به یکی از اظهارات نماینده دولت انگلیس که تقصیرات را به گردن مقام‌های ایرانی انداخته بود، در تاریخ ۱۶ آبان ۱۳۲۱ تذکریه‌ای را به سفارت انگلیس در تهران ارسال کرد که در آن به موارد زیر اشاره شده بود:

- دولت و مأمورین ایران در انجام وظیفه خود هیچ‌گونه قصوری نداشته‌اند.
- کمی بارندگی باعث از بین رفتن بخشی از کشت دیم در غرب و جنوب شده است.
- به واسطه نبودن قوای نظامی دولت شاهنشاهی در مرز و عدم اجرای مقررات گمرکی در ورود و خروج کامیون‌های متفقین، مقدار زیادی خواربار به طور غیرمجاز از کشور خارج شده و می‌شود.
- استفاده عدّه زیادی از قوای متفقین و لهستانی در ایران از خواربار کشور.

- حدود هفتاد هزار عمه که باید در دهات کار کنند، برای عملیات راه‌سازی متفقین مشغول کارند که در کشت در دهات تأثیر گذاشته است.

- بودن عده‌ای به اسم عمال متفقین و بعضی دلال‌ها که اجناس و خواربار را به قیمت گزاف و برخلاف مقررات به عنوان قوای متفقین خریداری کرده، باعث ازدیاد قیمت اجناس و خواربار شده‌اند.

- احساس مضیقه در امر خواربار، باعث احتکار یا لاقط تعلل در فروش به دولت شده است.
- کمبود گندم پاره‌ای از نقاط را که باید از جاهای دوردست تأمین کرد، به واسطه نبودن کامیون و لاستیک میسر نشده است و دولت انتظار دارد متفقینش با رساندن کامیون و لاستیک مساعدت نموده به عملیات باربری کشور کمک لازم بنمایند.

- به تحقیق پیوسته است که محصول امسال تکافوی مصرف کشور را نخواهد کرد. موفقیت دولت به جمع‌آوری آن مقدار از محصول هم که موجود است، به واسطه دخالت دلال‌ها در خرید مستقیم خواربار در نقاط مختلف کشور و نبودن وسایل حمل و نقل دچار اشکال سخت می‌باشد (اسنادی از اشغال ایران در جنگ جهانی دوم، ۱۳۸۹: ۲/۲۶۶-۲۶۷).

در حالی که گزارش‌های گوناگون از ناکافی بودن سهمیه تخصیص داده شده به ایران از سوی کمیته مرکزی تدارکات خاورمیانه وجود داشت، انگلیسی‌ها اجازه تأمین آذوقه مورد نیاز را از سایر کشورها نیز به استناد شرایط جنگ جهانی و مصالح متفقین نمی‌دادند (همان: ۲۷۴-۲۷۵).

۴. اخذ غله مازاد روستاییان و پرداختن بهای واقعی آن‌ها - اخذ غله مازاد روستاییان سیاستی بود که دولت ایران برای تأمین نیاز مناطق نیازمند به آن اجرا می‌کرد. این سیاست در اثر عملکرد منفی و مداخله انگلیسی‌ها از روال خود خارج شد که مشکلات مهمی برای مردم ایجاد کرد. آن‌ها با نرخ کمتر از بازار آزاد می‌خریدند، به نیازهای منطقه توجه نمی‌کردند، با مردم بدرفتاری می‌کردند و مطالبات آن‌ها را به موقع پرداخت نمی‌کردند (طیرانی، ۱۳۷۲: ۲۰).

مداخله و ایجاد اختلال در صنعت

بخش صنعت نیز از مداخله‌ها و آسیب‌های متفقین دور نماند. اولین آسیب این بود که برنامه‌ریزی صنعتی متوقف شد و صنعت از توسعه بازماند. در این دوره سهم صنعت از تولید ناخالص ملی از

۱۸۰ میلیارد ریال در سال ۱۳۲۰ به ۱۵۰ میلیارد در سال ۱۳۲۵ کاهش یافت. بخش عمده صنعت به علت عدم تأمین قطعات یدکی کارخانجات و راه‌اندازی صنایع جدید به‌طور جدی دچار مشکل و نقصان شد. بخشی از صنایع کارخانه‌ای که به آلمان وابسته بود، آسیب بیشتری دید (فوران، ۱۳۷۷: ۳۹۵-۳۹۶). مصداق‌ها و موارد مداخله انگلیسی‌ها و ایجاد اختلال در صنعت را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

- تصرف برخی از کارخانه‌ها و کارگاه‌های تولیدی و صنعتی؛
- تعطیلی یا کاهش تولید برخی کارخانه‌ها و کارگاه‌های تولیدی؛
- اجاره و در اختیار گرفتن اجباری برخی کارخانه‌ها؛
- جلوگیری از حمل و واردات قطعات فنی و یدکی کارخانه‌ها و کارگاه‌های تولیدی خریداری‌شده از آلمان و سایر دول محور.

قطع بی‌رویه و بدون مجوز درختان جنگل‌ها

انگلیسی‌ها برای رفع نیاز خود به چوب درختان جنگل‌ها در زمینه سوخت و تراورس راه‌آهن و غیره، با استناد به مفاد پیمان سه‌گانه، دولت ایران را به واگذاری تهیه چوب مورد نیاز از طریق مقاطعه‌کاران وادار کرد. در ظاهر برای این کار قراردادی منعقد می‌شد که میزان مجاز قطع چوب را در مناطق مورد توافق مشخص می‌کرد، ولی مقاطعه‌کاران به پشت‌گرمی حمایت مقامات انگلیسی، در عمل چندین برابر بیشتر از میزان توافق‌شده به بریدن چوب جنگل‌ها اقدام می‌کردند؛ در حالی که در قراردادها تأکید شده بود که «درخت‌ها باید توسط مأمورین وزارت کشاورزی در جنگل‌هایی که صلاحیت قطع دارد، انتخاب، قطع و حمل گردد» و «چوب‌هایی که بدون پروانه قطع و یا حمل شود، به سود دولت بازداشت خواهد شد» (اسنادی از اشغال ایران در جنگ جهانی دوم، ۱۳۹۱: ۱۹۱/۲). در مواردی نیز بی‌آنکه قرارداد و توافق‌نامه‌ای وجود داشته باشد، مأموران ارتش انگلیس برای تهیه ذغال، تأمین گرما و انرژی، به قطع درختان جنگل‌ها در مسیر عبوری یا محل استقرار خود اقدام می‌کردند (همان: ۱۸۴/۲). در مواردی نیز رانندگان شرکت یو.کی.سی.سی به خارج کردن بدون مجوز چوب درختان جنگلی به مقصد عراق اقدام می‌کردند.

درحالی‌که بر اساس تصویب‌نامه هیأت وزیران به تاریخ ۸ فروردین ۱۳۲۱ حمل هرگونه چوب و میزان آن بدون مجوز وزارت کشاورزی ممنوع بوده است. انگلیسی‌ها به جای تمکین به قوانین ایران و مفاد قراردادهای فی‌مابین، حتی مقام‌های ایرانی را تهدید می‌کردند و آن‌ها را به سوءنیت و اقدام تعمدی «برضد مصالح متفقین» و «اقدام ستون پنجمی» متهم می‌کردند (همان: ۱۸۸/۲-۱۹۲).

مداخله در امور مربوط به نفت و توزیع فرآورده‌های نفتی

در اثر وقوع جنگ جهانی دوم صادرات نفت ایران، به دلیل ناامنی بندرها و خطوط کشتیرانی، بسیار کاهش یافت و پس از اشغال ایران و قرار گرفتن ایران در جرگه متفقین، تهدیدها را از سوی دول محور بیشتر از گذشته کرد. از طرف دیگر، متفقین ایران را به جلوگیری از صدور نفت به دول محور مجبور کردند، اما در داخل ایران تولید و پالایش نفت را به چندین برابر رساندند تا نیازهای خود را تأمین کنند. دیگر اقدام مداخله‌گرانه متفقین، ایجاد محدودیت در پخش نفت و فرآورده‌های نفتی مورد نیاز مردم در داخل کشور بود (ایران در اشغال متفقین، اسناد و مدارک ۱۳۱۸-۲۱، ۱۳۷۱: ۲۸۵ و ۳۵۲-۳۵۳).

پیامدهای مداخله انگلیسی‌ها در امور اقتصادی ایران

با ذکر شمه‌ای از ابعاد و مصداق‌های مداخله انگلیسی‌ها در امور اقتصادی ایران در طول جنگ جهانی دوم، می‌توان نتیجه گرفت که پیامدهای اشغال ایران، ویرانگر و شامل همه ابعاد زندگی مردم و عرصه فعالیت دولت بود. به‌طور خلاصه می‌توان موارد زیر را برشمرد:

- کاهش شدید قدرت خرید ریال در برابر دلار و لیره استرلینگ در اثر انتشار پول بدون پشتوانه.
- فرسوده و بلااستفاده شدن تأسیسات و تجهیزات فنی مربوط به راه‌ها، راه‌آهن، فرودگاه‌ها، بندرهای تجاری و نظامی در اثر استفاده چندین برابر ظرفیت از آن‌ها به دست نیروهای متفقین برای حمل و نقل کالا و مهمات نظامی به شوروی.
- کاهش شدید درآمدهای ایران از محل حمل و نقل، به‌ویژه از طریق راه‌آهن.

- کاهش درآمد بندرها و گمرکات کشور از محل حقوق و عوارض گمرکی و جابه‌جایی و انبارداری.
- گرانی و تورم.
- رواج قاچاق کالا، مواد غذایی و احشام.
- کاهش شدید خدمات رفاهی و بهداشتی به دلیل مشکلات مالی و بروز و شیوع بیماری‌های واگیردار مثل تیفوس و غیره و افزایش مرگ و میر.
- کاهش سطح زندگی.
- کاهش اقتدار دولت مرکزی به دلیل ناتوانی اقتصادی و کاهش شدید درآمدها.
- غارت منابع معدنی، به‌ویژه نفت.
- ورشکستگی بازرگانان ایرانی به دلیل مصادره و تصرف کالاهای آن‌ها در گمرکات و بنادر و کاهش صادرات و واردات به دلیل ناامنی.
- آسیب جدی به بخش کشاورزی، به‌عنوان مهم‌ترین بخش اقتصادی کشور، به دلیل ناامنی و جابه‌جایی نیروی کار کشاورزی.
- تعطیلی و یا اشغال کارخانه‌ها و کارگاه‌های تولیدی.

نتیجه‌گیری

با بررسی فشرده‌ای که انجام شد، مشخص شد که مداخلات انگلیسی‌ها در امور اقتصادی ایران در طول جنگ جهانی دوم ابعاد و گستره فراوان و گوناگونی داشته است و به دلیل محدودیت گنجایش مقاله به مهم‌ترین آن‌ها اشاره شد. انگلیسی‌ها قبل از اشغال، مداخله در امور اقتصادی را آغاز کردند و در دوره اشغال، پس از تصویب و امضای پیمان اتحاد سه‌گانه در بهمن ۱۳۲۰ بلافاصله آشکارا در امور پولی و مالی ایران شروع به مداخله کردند و هر جا که با کمترین مانعی مواجه می‌شدند، به پیمان مذکور استناد می‌کردند. خواسته‌های آن‌ها در اغلب موارد با قوانین و مقررات ایران مغایرت داشت، فراتر از توان اقتصادی ایران بود، و مقام‌های ایرانی با آن مخالفت

می‌کردند، اما در نهایت با اعمال فشار و تحمیل، آن را اجرا می‌کردند و گاه جهت انجام خواسته‌شان برای دولت ایران ضرب‌الاجل تعیین می‌کردند.

مسلم است که مداخله در امور اقتصادی بیش از مداخله در سایر شئون و امور جامعه و حکومت ایران بوده، و به همان نسبت، پیامدهای ناگوار و زیانبار آن نیز گسترده و تأثیرگذار بوده است. این مداخله به حدی بود که در روند فعالیت سازمان‌ها و نهادهای دولتی و بخش خصوصی و همچنین توده‌های مردم، جابه‌جایی و تغییرهایی پدید آورد. بیش از پانزده میلیون نفر از جمعیت ایران در دوره اشغال، به دلیل قرار گرفتن در مدار خط تدارکات آذوقه و مهمات متفقین به شوروی، در متن مداخله اشغالگران در امور اقتصادی قرار گرفتند و در اثر عمل نکردن متفقین به تعهداتشان، بخش‌های کلیدی اقتصاد ایران مثل کشاورزی، صنعت، خدمات، بازرگانی خارجی، تجارت داخلی، بودجه، سطح زندگی و موارد نظیر آن در طول دوره اشغال آسیب جدی دید. مهاجرت و جابه‌جایی جمعیت نیز رخداد که موجب اختلال در امور شهرهای بزرگ شد.

استفاده نیروهای اشغالگر از منابع اقتصادی اجتناب‌ناپذیر بود، آن‌ها به مواد غذایی، مواد خام، فراورده‌های نفتی و مواردی از این قبیل نیاز داشتند و عملاً دولت ایران را به تأمین آن‌ها وادار کردند، ولی با داشتن اراده و خواست واقعی می‌توانستند مشکلات اقتصادی مردم ایران را به حداقل برسانند؛ زیرا آن‌ها با تأمین تدارکات بسیار گسترده از شکست قطعی شوروی در برابر ارتش عظیم و ویرانگر آلمان نازی جلوگیری کردند و کمک به ایران در مقایسه با کمک به شوروی، به مراتب کوچک‌تر و آسان‌تر بود و همه زمینه‌های لازم برای آن نیز مهیا بود. توجیه عقلی و علمی آن نیز نقش بی‌بدیل ایران در پیروزی متفقین در جنگ جهانی دوم بود که خودشان عنوان «پل پیروزی» به آن دادند.

فهرست منابع و مآخذ

- آبادیان، حسین (۱۳۹۰). «غلات و زندگی اجتماعی مردم در جنگ جهانی دوم».
دوفصلنامه تحقیقات تاریخ اجتماعی، سال اول. ش ۲.

- آبراهامیان، یرواند (۱۳۷۷). **ایران بین دو انقلاب**. ترجمه احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی. تهران: نشر نی.
- آرشیو مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه. سال ۱۳۲۱. کارتن ۱۵. پرونده ۳۳.
- ابتهاج، ابوالحسن (۱۳۷۱). **خاطرات ابوالحسن ابتهاج**. ج ۱. تهران: علمی.
- **اسنادی از اشغال ایران در جنگ جهانی دوم** (۱۳۸۹). جلد دوم (سانسور و مداخله در امور پولی و مالیاتی). تهیه و تنظیم مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری. تهران: خانه کتاب.
- **اسنادی از اشغال ایران در جنگ جهانی دوم** (۱۳۸۹). جلد سوم (راه‌ها، راه‌آهن و فرودگاه‌ها، قطع درختان، نان و غله، مهاجرین لهستانی در ایران). تهیه و تنظیم مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری. تهران: خانه کتاب.
- **اسنادی از روابط ایران و انگلیس (۱۳۲۰ - ۱۳۲۵ ش)** (۱۳۸۲). به کوشش بهناز زرین کلک. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- الهی، همایون (۱۳۶۹). **اهمیت استراتژیک ایران در جنگ جهانی دوم**. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- **ایران در اشغال متفقین، مجموعه اسناد و مدارک: ۲۱ - ۱۳۱۸** (۱۳۷۱). به کوشش صفال‌الدین تیرانیان. تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- پرتوی مقدم، عباس (۱۳۸۴). «**نقش و عملکرد متفقین در بحران غله ایران به هنگام جنگ جهانی دوم**». فصلنامه مطالعات تاریخی، سال سوم. ش ۱۰.
- **پیمان سه‌گانه (بی‌تا)**. تهران: مرکز اسناد و آمار شاهنشاهی، کمیته آموزش و اطلاعات مردم.
- **خان ملک (یزدی)**، محمد (۱۳۲۴). **ارزش مساعی ایران در جنگ جهانی دوم ۱۹۴۵ - ۱۹۳۹**. ج ۱. تهران: چاپخانه وزارت کشاورزی.
- **درباره سوم شهریور و نقش ایران در جنگ جهانی دوم** (۲۵۳۶). مرکز پژوهش و نشر فرهنگ سیاسی دوران پهلوی.
- راعی گلوچه، سجاد (۱۳۸۸). «**اتحاد ایران با متفقین؛ استراتژی یا ائتلاف تحمیلی**». فصلنامه تاریخ روابط خارجی، ش ۴۱.

- _____ (۱۳۸۷). «توسعه در محاق دخالت بیگانگان؛ مداخله انگلیسی‌ها در امور داخلی ایران در طول جنگ جهانی دوم به روایت اسناد نخست‌وزیری». فصلنامه نامه دولت اسلامی، سال اول. شماره ۳.
- _____ (۱۳۹۱). «نقش انگلیس در اشغال ایران در جنگ جهانی دوم و تحمیل پیمان اتحاد سه‌گانه» در مجموعه مقالات دومین همایش ایران و استعمار انگلیس. ج ۱. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- _____ و علی‌اصغر راستینه (۱۳۹۱). «بررسی ابعاد مداخله انگلیسی‌ها در امور ایران در طول جنگ جهانی دوم» در مجموعه مقالات دومین همایش ایران و استعمار انگلیس. ج ۲. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- زیباکلام، صادق (۱۳۸۰). «ساختار قدرت بعد از رضاشاه؛ با تأکید بر مجلس چهاردهم و امتیاز نفت شمال» در تحولات سیاسی - اجتماعی ایران ۵۷ - ۱۳۲۰. به اهتمام مجتبی مقصدی. تهران: روزنه.
- طیرانی، بهروز (۱۳۷۲). «جنگ جهانی دوم و واکنش‌های مردمی در قبال آن ۲۴ - ۱۳۲۰». فصلنامه گنجینه اسناد، سال سوم. دفتر اول.
- کاتوزیان، محمدعلی همایون (۱۳۷۳). اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی. ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی. تهران: نشر مرکز.
- کی استوان، حسین (۱۳۲۷ - ۱۳۲۹). سیاست موازنه منفی در مجلس چهاردهم. ج ۲. تهران: انتشارات روزنامه مظهر.
- فوران، جان (۱۳۷۷). مقاومت شکننده؛ تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی. ترجمه احمد تدین. تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- قطبی، بهروز (۱۳۸۱). گزیده اسناد جنگ جهانی دوم در ایران. تهران: اطلاعات.
- مقدم مراغه‌ای، رحمت‌الله (۱۳۸۶). سال‌های بحرانی نسل ما؛ خاطرات مهندس رحمت‌الله مقدم مراغه‌ای. تهران: نشر علم.
- مکی، حسین (۱۳۷۰). تاریخ بیست ساله ایران. ج ۸، تهران: علمی و ایران.